

چه بود برای این بود که بآنها بفهماند و بشناساند که يك نظامی علوماتی غیر از آن عالم شهامت قطری و شجاعت عادی است که آن قوانین حربیه نظامست و من خیلی افتخار می کنم که چنین مکتبی در مملکت مادائر شود اما بدبختانه حالا می بینیم که يك مکتبی که بتواند اهل شهر را کفایت کند نداریم و تا چه رسد باینکه مکتب نظامی هم بخواهیم دائر کنیم اما این پیشنهادیکه نماینده محترم کرده است اگر توجه بفرمایند مقصودشان این بود که یکمده سواری از ایل قشقائی بیایند اینجا مشغول خدمت باشند و تدارک مدارس نظامی هیچ نبود یعنی همانطوریکه يك مدتی باکمال جان فشانی و جان نثاری بختیاری خدمت کرد یکمدتی هم قشقائی برای اوامر دولت حاضر باشد حالا به بینیم از آمدن آنها چه نتیجه از برای ما حاصل خواهد شد بنده عقیده ام این است که آمدن آنها صلاح نیست برای اینکه آن عظمت و آن اهمیت و آن جلالت و شوکت و اقتدار دولتی که در رک و ریشه و قلب ایلات هست در مکان خودشان اگر باشند بهتر اطاعت اوامر دولت را مینمایند بواسطه اینکه از ترتیبات دولت خودشان اطلاعی ندارند منتهی رؤسایشان میدانند در مرکز چیست و چه خبر است و اگر حالا بیک ملاحظه راهزنی نمیکنند برای این است که از ترتیبات اطلاعی ندارند و حالا واضح تر میگویم چنانچه دوپست نفر سوار از قشقائی و دوپست نفر از کلهر بخواهد همانطور که محمدعلی میرزا خواست عده از سوار کلهر را خواست و آمدند اینجا از ترتیبات اطلاعی پیدا کردند و قتیکه برگشتند دیگر يك عده آناد در آنجاها نگذاشتند پس رداودخان رفت پیش پدرش و گفت که خیال می کردم بمثل معروف شاه سرش را با شیر می تراشد این چیزها نیست تو چرا ادعای سلطنت نمیکنی حالا باید فهمید که خواستن اینها بجز اینکه يك کدورتی میان عشایر و قبایل بیاندازد نمره دیگری ندارد و اگر اینطور کردید فردا میدان توپخانه میدان مبارزه و محاربه ایلات خواهد بود.

(رئیس حرکت نمود و مجلس ختم گردید.)

جلسه ۱۶۹

صورت مشروح روز پنجشنبه سلخ شوال
مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد. صورت جلسه روز چهارشنبه (۲۹) را آقای معاضد الملک قرائت نمود.
قائمین جلسه قبل.
قوام الاسلام - نوبری - حاج میرزا آقا - آقا سید محمد رضا - سپه دار اعظم - آقا سید علی آقا - بدون اجازه.
آقا سید حسین کزازی - طباطبائی - بهجت با اجازه.
مستشار الدوله - ممتاز الدوله - سردار احمد - آقا شایخ رضا - معین الرعایا - معزز الملک - دهخدا - مرتضی - قلیخان بختیاری - بموقع مقرر حاضر نشدند حاج - مصدق الممالک مریض بودند.
نایب رئیس - آقای معزز الملک راجع بصورت مجلس ملاحظه داشتید؟
معزز الملک - در صورت مجلس قید شده است که بنده بموقع مقرر حاضر نشده ام بند در موقع انعقاد مجلس حاضر بودم و در صورتیکه مجلس دو ساعت بفرود

تشکیل میشود نمایندگان نمیتوانند سه ساعت و نیم بفرود حاضر شده در اطاق تنفس منتظر باشند این قرار در وقتی بود که هیئت رئیسه ساعت ۳ تشریف می آوردند اینجا و می نشستند و حالا چندی است که گویا این قرار متروک شده است.

ارباب کیخسرو - بنده خاطر هست که مخصوصاً در چند مجلس معین شد ساعت ۳ مجلس منعقد شود و آقایان نمایندگان ۳ ساعت و نیم قبل از غروب حاضر شوند بنا بر این اداره مباشرت مکلف است که از همان میزان رفتار نماید حالا اگر يك چند وقتی حاضر نشدند و مجلس در ساعت معین منعقد نشد اداره تکلیف دیگری نخواهد داشت.

نایب رئیس - دیگر ملاحظاتی در صورت مجلس هست؟ [اظهاری نشد]

نایب رئیس صورت مجلس را امضاء نمود. راپورت کمیسیون بودجه راجع به برقراری ماهی صد تومان در حق شجاع السلطان بانه قرائت شد دو لایحه وزارت مالیه در باب تقاضای برقراری ماهی يك صد تومان حقوق در باره شجاع السلطان بانه که در مجلس سابق هم موقتاً تصویب نموده بودند قرائت شد و پس از مذاکرات اکثریت کمیسیون چنین رأی داد که مادامی که وجود اودر کمیسیون سرحدی لازم و املاک منصوبه اش مسترد نشده ماهی يك صد تومان را چنانچه مجلس سابق هم تصویب نموده موقه در حق او برقرار داشته و بمشاراله عاید دارند و مطابق تصدیق نامه وزارتین خارجه و مالیه حق او برقرار باشد.

محمد هاشم میرزا - چون از این قبیل مطالب و لوابیح که بمجلس میاید نمایندگان فوراً آنرا رد کرده ملاحظات لازمه را در آن نمی کنند باین جهت لازم دانستم عرض کنم که در این مورد در توضیحاتی لازم است مخبر کمیسیون بدهد و فوراً از نقطه نظر این بود که ضیق مالیه است و این صد تومان زیاد است رد نشود.

افتخار الواعظین - بنده نظرم است که وقتی که در آن کمیسیون بودم این مسئله مطرح شد آقایان خیلی اظهار رضایت از خدمات ایشان میکردند و اغلب تصدیق داشتند از خساراتیکه بر ایشان وارد شده است برای اینکه املاک ایشان را بنیرو حق تصرف نمودند و ایشان متوسل بدولت علیه ایران شده تبیمت دولت اجنبی را قبول نکردند و جلای وطن اختیار نمودند بواسطه این ملاحظات بنده عرض می کنم که این ماهی صد تومان ابداً زیاد نیست و سزاوار است که در حق ایشان برقرار شود.

حاج وکیل الرعایا - در موقی که آقای احتشام السلطنه رئیس مجلس شورای ملی بودند بواسطه سابقه اطلاعاتی که از ترتیب کردستان داشتند بواسطه حکومتی که در آنجا کرده بودند و آقای ناصر الملک هم که در آن اوقات وزیر مالیه بود و او را هم چندی در آنجا برای مقاصد خودشان معطل کرده بودند ایشان هم يك قدری اطلاعات داشتند این ۲ نفر هر دو تصدیق میکردند که این شخص لازم المراتب است و اینکه تا چهار ماه در هر ماهی صد تومان در کمیسیون مجلس سابق تصویب شد بواسطه این بود که ما آن وقت یقین داشتیم که تا چهار ماه دیگر تسویه امور سرحدی می شود و هیچ تصور نمی کردیم که پیش از چهار ماه طول بکشد این بود که بواسطه

بعضی اتفاقات که همه وقت در همه جا تا بحال مانع شد و تسویه امور سرحدی آنجا نشد و تصور می کنم که حالا هم مجلس تا وقتی که این شخص بتواند بخانه خود برگردد و زندگانی خودش را از سر بگیرد این ماهی صد تومان را در باره او تصویب کند و زیادی نداند و چون در آن اوقات بعضی مذاکراتی از بعضی اشخاص در باره او می شنیدم که عقیده ام این است که این مبلغ زیاد نیست از این جهت بود که عرض کردم که این مقررری فعلا باوداده شود تا وقتی که بخانه خودش بتواند برگردد.

ارباب کیخسرو - بنده مغالفت با این راپورت ندارم ولی چون آقای حاج وکیل الرعایا این جا اظهار کردند که این مطلب در مجلس سابق در کمیسیون تصویب شده به مجلس نرفته و از کمیسیون بوزارت مالیه احضار شده است می خواستم عرض کنم که در این صورت این مرتبه اول است که این مسئله به مجلس آمده است و در راپورت کمیسیون نوشته شده است که این مسئله در مجلس سابق تصویب شده است خوب است این کلمه را از اینجا بردارند برای اینکه این از حالا باید تصویب شود.

حاج سید ابراهیم - بنده همیشه می خواستم عرض کنم که بانه از نقاط مختلف فیه است و غصباً تصرف کرده اند مثل سایر جاها نیست.

نایب رئیس - ممکن است برای استحضار خاطر نمایندگان محترم این مواد مرسله مجلس سابق است خوانده شود.

(آقا میرزا ابراهیم خان واد مرسله مزبور راجع بوزارت مالیه را قرائت نمود « که خلاصه مشروحه محمد خان بانه را که به مجلس شورای ملی اظهار داشته است ملاحظه فرموده چون در مراتب اظهاریه او کاملاً در کمیسیون سرحدی رسیدگی و تحقیقات لازمه بعمل آمده چنین تصویب نموده اند که بیاس خدمات و رعایت حال مشارالیه موقه ماهی یکصد تومان در باره او مقرر باشد و بکمیسیون مالیه رجوع شد در آنجا هم همین قسم تصدیق و تصویب نموده اند لزوماً اظهار می دارد که مقرر فرمائید این ماهی یکصد تومان را بعنوان شهریه در باره او مقرر دارند که مدد معاش خود نموده دلگرمانه و آسوده مشغول خدمتگذاری باشد و این مقررری فقط در این سه چهار ماهی است که وجودش در طهران برای تحقیقات سرحدی لازم است

حسنعلیخان - بنده يك توضیحی میخواستم عرض کنم چون بنده خودم عضو کمیسیون سرحدی بودم آنوقت نظیر بعضی وقایعی که واقع شده بود يك اهمیتی داد مجلس سابق بکمیسیون خارجه آنوقت يك چند نفری بر عده اعضاء افزود و اصممش را کمیسیون سرحدی گذاشت و آنروز آن کمیسیون خیلی اهمیت داشت و خیلی مسائل از آن کمیسیون گذشت بدون اینکه به مجلس بیاید و رأی داده شود خیلی مفید بود و خیلی از مسائل مهمه هم بود که همین طور از کمیسیونها می گذشت و از طرف هیئت رئیسه آن مجلس نوشته می شد که این مطلب از مجلس گذشته است و نظیر این مسئله

هم در چندی قبل در مجلس مذاکره شد در باب حقوق تشوینی که ترتیب آن در کمیسیون داده شده بود و آن را با تصویب مجلس دانسته بودند پس میتوانیم این مسئله را هم تصور کنیم که از مجلس گذشته برای اینکه یک عده کارهایی از کمیسیون گذشته بعنوان اینکه از مجلس گذشته است و اما در این مسئله هم خیلی بنده لازم می دانم عرض کنم برای اینکه اطلاع دارم می دانم که این شخص از کسانی است که خیلی خیلی زحمت کشیده است و خیلی خسارت بر او وارد آمده و واجب الرعایه است برای اینکه ملاحظه بفرمائید یک شخصی که صاحب همه چیز بوده است مجبوراً از تمام زندگانی خود دست کشیده و آمده است بطهران وزیر بار هیچ چیزی نرفته است و هیچ عایدی از هیچ جا باو نرسد و با کمال یریشانی زندگی میکند و واقعاً این یک رعایت بوقتی است که در حق او میشود .

کاشف - بنده ابدأ مخالفتی ندارم با اینکه ماهی یکصد تومان درباره این آقا برقرار شود شاید از کسانی هم باشم که خیلی لازم بدانم تصویب این مبلغ را ولی اساساً می خواستم عرض کنم که تا کی این قسم مخارجات را تصویب کنیم و از بودجه کل و عایدات مملکت خودمان مطلع نباشیم و بنده مکرر این را عرض کردم و هنوز هیچ اثری نبخشیده است که آقایان وزراء باید زودتر بودجه کل را بیاورند و تا بودجه کل نیامده کلیه هر قدر منظور مخارج پیشنهاد شود بدون اطلاع و آگاهی رأی می دهیم در صورتی که اگر بودجه بمجلس می آید این مسئله را تمام ما ها تصویب می کردیم و جای هیچگونه تردیدی نبود از این جهت استند ما میکنم که از طرف هیئت رئیسه تأکید شود به هیئت وزراء که زودتر بودجه کل را پیشنهاد نمایند .

وکیل التجار - بنده هیچ این عبارت را که خوانده شد نمی توانم قبول کنم و آقای حسینی خان که اظهار کردند که در بعضی کارها از کمیسیون میکشند و می نوشتند مجلس تصویب کرده است رض میکنم اگر در یک موقعی یک سهری یا یک اشتباهی یا اینکه صریحاً عرض می کنم و هیچ خجالت نمی کشم یک غلط کاری شده است ربطی بترتیبات حالا ندارد و این غیر از این است که حالا ما بگوئیم آنچه بیشتر کرده اند از تصویب مجلس گذشته است و اگر یک کمیسیونی هم تصویب کرده است یک چیزی را چه چیز است که ما را وامی دارد باینکه بگوئیم این تصویب مجلس است بنده نمی دانم ولی عرض میکنم که ما هنوز نمی توانیم بحالی بکنیم بخودمان و بسایر مردم که یک نفر وکیل در خارج نماینده مجلس هست و هنوز وزراء مان نمی دانند که تصویب کمیسیون تصویب مجلس نیست و یک چیزی را که فقط کمیسیون رأی داده است بر میدارد می نویسد مجلس تصویب کرده است این است که بنده این مطلب را اعتراض ورد میکنم و عرض میکنم که همه می دانند که هیچ وقت چیزی که بتصویب کمیسیون بوده است نه در حالا نه در مجلس سابق بتصویب مجلس نبوده است تصویب

مجلس آن چیزی است که در مجلس پس از مطرح شدن با کثرت آراء قبول شود و غیر از آن را هر چه باشد تصویب مجلس نباید دانست

نایب رئیس - معلوم میشود در این خصوص مخالفی نیست پس رأی میگیریم

فهییم الملک - چون رأی گرفته می شود بر ایورت کمیسیون خواهد بود و در اینجا یک جمله نوشته شده است که لازم است عرض کنم نوشته است « مادامیکه وجودش در کمیسیون سرحدی لازم است این عبارت گویا راجع است بکمیسیون سرحدی سابق و حالا آن کمیسیون نیست پس فقط باید گفت او مادامی که املاکش مسترد نشده است .

نایب رئیس - رأی میگیریم بر ایورت کمیسیون بودجه که تصویب کرده است بر قراری ماهی یک صد تومان را در حق شجاع السلطان با نه آقایانی که موافقت ورده سفید خواهند انداخت (اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان شماره نمودند و نتیجه از قرار ذیل اعلام شد)

معاذ الملک - عده حاضر (۷۱) ورده سفید علامت قبول (۵۲) ورده آبی ندارد امتناع (۱۹)

تصویب کنندگان : وحید الملک ممتاز الدوله ارباب کیخسرو - دهخدا - آقا عبدالجسین - حاج وکیل الرعایا - آقا محمد بروجردی - صدر العلماء لسان الحکماء - بهجت - طباطبائی - آقا سید محمد باقر ادیب - آقا شیخ رضا - حاج سید ابراهیم تربیت - معین الرعایا - وکیل التجار - افتخار الواعظین - ادیب التجار - دکتر اسمعیل خان - ضیاء الملک - حاج فاتح الملک - حاج شیخ رئیس - آقا میرزا داودخان - آقا شیخعلی - حاج محمد کریمخان - کاشف - دکتر حمید میرزا آقا سید جلیل - آقا شیخ غلامحسین - شیبانی - سلیمان میرزا - معز الملک - لواء الدوله - ناصر الاسلام - آقا میرزا رضاخان - معاذ الملک آقا میرزا ابراهیم خان - حاج سید نصرالله - متین السلطنه - آقا میرزا مرتضی قلیخان - ممتاز التجار آقا میرزا ابراهیم قمی - حسنعلیخان - منتصر السلطان - حاج شیخعلی - دکتر امیرخان - آقا سید حسین اردبیلی - آقا میرزا احمد - فهییم الملک دکتر حاجی رضا خان - محمد هاشم میرزا .

نایب رئیس - با کثرت (۵۲) رأی از (۷۱) نفر نمایندگان تصویب شد بر ایورت کمیسیون قوانین مالیه طرح قانونی آقای تقی زاده را در چند جلسه مطرح قرار داده و در جلسه اخیر با حضور معاون وزیر مالیه مذاکرات بعمل آمده بر ترتیب ذیل آن را اصلاح نموده و در ضمن سه ماده ذیل بمجلس پیشنهاد می نماید .

ماده (۱) - کلیه آنچه از طرف دولت اجاره داده می شود و نیز کثرت آنها (قرارداد) که دولت ببندد باید بتصویب وزیر مسئول وطریق اعلان عمومی در تمام ایران در مدت کافی قبل از اتمام عمل که کمتر از یک ماه نباشد و ترتیب مزایده یا مناقصه صورت بگیرد دیگر در اجاره و کثرت هائی که طرف دولت یا تبعه خارجه بوده و یا مدت

کثرتات بیش از پنجسال باشد که در این صورت تصویب مجلس شورای ملی شرط است .

ماده [۲] - در اجاره نامه های مذکور در ماده فوق باید شرط شود که مستاجر حق منتقل کردن یا اجاره دادن یا قراردادی راجع بان اجاره بستن و یا آن اجاره را وثیقه معامله دیگری قرار دادن بهیچوجه ندارد مگر با اجازه دولت و هر گاه طرف این قبیل معاملات رعیت خارجه باشد تصویب مجلس شورای ملی لازم است .

ماده (۳) اشخاصی که با دولت طرف معامله می شوند باید ضامن معتبری برای خود معین کنند و با آنکه ترتیب ذیل وجه الضمانه دهند [۱] مطالعه کاران معادل یک عشر قیمت معامله که بعهده گرفته اند (۲) مستاجرین معادل نصف مال الاجاره .

رئیس - اول در کلیات این طرح مذاکره میشود آقایانی که بطور کلی در این خصوص ملاحظات دارند بفرمائید که رأی گرفته داخل شور در مواد شوریم

ارباب کیخسرو - بنده این دو اصل قانون اساسی را می خوانم و عقیده ام را عرض می کنم اصل [۲۲] قانون اساسی می نویسد موادی که قسمتی از عایدات دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته می شود یا تغییر در حدود و ثغور مملکت از زمین پیدا می کند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود در اینجا عقیده بنده این است که دارائی دولت غیر از مملکت باشد و غیر از حدود باشد و مقصود از دارائی دولت همین املاک است که اجاره و انتقال آن باید بتصویب مجلس باشد و اینجا این طرح این حق را از مجلس سلب مینماید در اصل (۲۴)

می نویسد « بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها اعطای امتیازات انحصار تجارتنی و صنعتی و فلاحتی و غیره » اهم از این که طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد با استثنای عهد نامه هائی که استنادهای صلاح دولت و ملت باشد .

این مقاوله نامه ها میشود یکطرفش را بهین کثرتات تطبیق کرد و این یک چیزی نیست که آنرا بشود تاویل کرد از این جهت توضیحاتی می خواستم از مخبر محترم کمیسیون که در این باب بفرمائید که طوری باشد مخالفت با قانون اساسی نداشته باشد .

فهییم الملک - این قانون هیچ راجع به آن دو اصل قانون اساسی نیست زیرا در ماده اول میگوید که در مواردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود و این کثرتات و قرار چیزی است که موقتاً یک ملک را می دهند بیک شخصی یا بیک کمپانی بدون اینکه حق ملکیت از مالک اولی یعنی دولت سلب شود انتقال معنی آن اینست که عین ملک را به کسی بدهند که سلب مالکیت اولی را می کنند و یک مالک ثانوی از برای او پیدا می شود و این اصل قانون اساسی فقط راجع بان انتقال و خلع ید کردن مالک اولی از ملک و اگذار کردن بدیگری و فروختن است و این قانون راجع با اجازه و استیجاره است و موقتاً منافع یک ملک را بکسی واگذار می کند اصل [۲۴] راجع است بعهدنامه ها و

مقاوله نامه ها و اعطای امتیازات و انحصار تجارتنی و کار های صنعتی و فلاحتی آن قرار دادی است که از طرف دولت می شود که آنرا (کاسیون) میگویند و هیچ ربطی با اجازه و کثرتات ندارد اجازه و کثرتات چیزی است که مقرر میشود بین دولت و اتباع داخله یا خارجه فرق نمیکند که در یک مدتی همانطور که عرض کردم منافع یک مملکتی بیک شخص یا بیک کمپانی واگذار میشود با یک ترتیب معینی و این هم عملش از انتقال و فروختن جداست و هم غیر از مقاوله نامه است که در آنجا ذکر شده است و هیچ ربطی باین ماده ندارد این چیزهائی است که همیشه برای دولت اسباب زحمت میشد و معلوم نبود که آیا دولت باید این قسم قرارداد ها را با اطلاع مجلس برساند یا اینکه کلیه راجع بدولت است و خودش باید ببندد و البته معلوم است و در این مورد اگر بنا باشد که این طو کار ها هم بتصویب مجلس باشد یعنی برای هر چیز جزئی یک لایحه بیاورد بمجلس و برود بکمیسیون و از کمیسیون بمجلس پیشنهاد شده مدتی اوقات مجلس و کمیسیون را مشغول خواهد کرد در صورتیکه این اعلان عمومی را که در این قانون قید شده است بطوری واضح خواهد شد که با اطلاع مجلس شورای ملی بالطبع خواهد رسید نهایت در چند موردی که اهمیت دارد و قید نشده است مجلس شورای ملی باید در آن شور کند و رأی بدهد و آن مواردیکه بتصویب مجلس نرسد یکی از شرایطش این است که عموم از ترتیب آن مطلع باشند .

افتخار الواعظین - اما اینکه مخبر خواستند دفاع کنند که اصل [۲۲] قانون شامل این قبیل کثرتات و اجاره نیست گویا اینطور نباشد بجهت این که عمومیت اصل [۲۲] خودش کاشف از این است که هر جزئی را هم باید بتصویب مجلس برسانند بجهت اینکه میگوید که در موردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی و هر قسم اجاره که بآن می خواهد خالصجات باشد یا مغان باشد یا حقیرات و عتیقات و غیره و هر چه که از این قبیل را ملاحظه کنیم تحت این کلمه است بجهت اینکه میگوید « منتقل یا فروخته می شود » انتقال بر دو قسم است یک دفعه عین را انتقال می دهند یک دفعه منفعت را پس در وقتیکه منافع یک مدنی را بکسی واگذار کنند در تحت این جمله است که منتقل میشود پس این اصل (۲۲) قانون اساسی صریح است و در اینکه هر قسم معامله که دولت بخواهد بکند از جزئی و کلی باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد و اما اینکه فرمودند که مواردیکه اختیار بدولت داده میشود برای اطلاع مجلس همان اعلان عمومی که در روزنامهجات می شود کافی است بنده عرض میکنم که کافی نیست برای اینکه تاکنون معاملاتی که واقع شده است در عرض این دو سال دو فقره اش را بنده اطلاع دارم که بطوری اجاره داده شده است که ضرر صریح بدولت متوجه است و این بواسطه این بوده است که بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده است باین جهت بنده اعلان آنها را در روزنامهجات اعلان میشود که فلان ممدن را تا دو ماه دیگر ببلبغ (۱۵) هزار تومان اجاره می دهیم و تا سر این معامله هر کس حاضر باشد ضامن بدهد

مقاوله نامه ها و اعطای امتیازات و انحصار تجارتنی و کار های صنعتی و فلاحتی آن قرار دادی است که از طرف دولت می شود که آنرا (کاسیون) میگویند و هیچ ربطی با اجازه و کثرتات ندارد اجازه و کثرتات چیزی است که مقرر میشود بین دولت و اتباع داخله یا خارجه فرق نمیکند که در یک مدتی همانطور که عرض کردم منافع یک مملکتی بیک شخص یا بیک کمپانی واگذار میشود با یک ترتیب معینی و این هم عملش از انتقال و فروختن جداست و هم غیر از مقاوله نامه است که در آنجا ذکر شده است و هیچ ربطی باین ماده ندارد این چیزهائی است که همیشه برای دولت اسباب زحمت میشد و معلوم نبود که آیا دولت باید این قسم قرارداد ها را با اطلاع مجلس برساند یا اینکه کلیه راجع بدولت است و خودش باید ببندد و البته معلوم است و در این مورد اگر بنا باشد که این طو کار ها هم بتصویب مجلس باشد یعنی برای هر چیز جزئی یک لایحه بیاورد بمجلس و برود بکمیسیون و از کمیسیون بمجلس پیشنهاد شده مدتی اوقات مجلس و کمیسیون را مشغول خواهد کرد در صورتیکه این اعلان عمومی را که در این قانون قید شده است بطوری واضح خواهد شد که با اطلاع مجلس شورای ملی بالطبع خواهد رسید نهایت در چند موردی که اهمیت دارد و قید نشده است مجلس شورای ملی باید در آن شور کند و رأی بدهد و آن مواردیکه بتصویب مجلس نرسد یکی از شرایطش این است که عموم از ترتیب آن مطلع باشند .

با اعتبار داشته باشد و به بیشتر از این اندازه طالب باشد با خواهیم داد آنوقت اگر کسی حاضر باشد که اینکار را بکنند مثل اینکه دیدیم بعضی مواقع جلو می آورند که آن شخص نتواند قبول کند در صورتیکه اگر منوط بتصویب مجلس شورای ملی باشد تمام موانع موجوده رفع خواهد شد و از تمام ضررهائی که ممکن است بر دولت متوجه شود جلوگیری میشود و موافق اصل (۲۲) قانون اساسی هم خواهد بود .

فهییم الملک - گویا در تفکیک فروختن از اجاره دادن هم اشتباهی نباشد که اینها در عنوان فریاز هم هستند ولی حرف سر انتقال است که انتقال آباشامل اجاره میشود یا نمیشود بعقیده بنده شامل نمیشود برای اینکه من یک ملک را اجاره میدهم بکسی و یک حق میگیرم و در اینصورت چیزی را باو منتقل نکرده ام و هر وقت که مدت تمام شد میتوانم پس بگیرم ولی بکوتی اگر در حاشیه آن قباله بنویسم که من این ملک را منتقل کردم میخوام ببینم دیگر در آن ملک حق می خواهم داشت یا خیر البته معلوم است در صورتیکه انتقال داده ام بکلی از دست من خارج میشود دیگر در آن حق نمیخواهم داشت علاوه عایداتش هم بمن عاید نمیشود پس در وقتیکه اینطور نیست یعنی انتقال شامل اجاره نمیشود نباید معاملاتی را که دولت میکند از جزئی و کلی بمجلس بیاورد و از تصویب مجلس بگذرد که مثلاً اگر دولت چند باب دکان دارد و میخواهد اجاره بدهد بگوئیم که آنها را بیاورند بمجلس و برای هر کدام در مجلس شور اول و ثانی بعمل بیاورد برای این جزئیات نمیشود وقت مجلس را صرف کرد و البته وقتیکه دولت بخواهد این قسم معاملات را بکنند موافق ترتیبی که اینجا نوشته شده است در روزنامهجات اعلان خواهد کرد که فلان چار را در این مبلغ میخوام اجاره بدهم و در ظرف یکماه هر کس طالب باشد که بیشتر از این اندازه قبول کند دولت حاضر است که با دادن اعتبار قبول کند و باو بدهد و اینکه فلان دکان را ماهی سه تومان اجاره مینماید دیگری در پنج تومان حاضر است قبول کند این بعقیده بنده چندین اهمیتی ندارد که وقت مجلس را مشغول نماید و در خصوص مدتش هم فرضاً اگر حرفی باشد آنرا که قید نموده ایم که از این پنجسال بیشتر نباشد این عرایض بنده بود حالا آقای حاج شیخ رئیس و آقای حاج امام جمعه در این خصوص البته اطلاعاتی که دارم نخواهند فرموده .

حاج سید نصرالله - من هر چه تصور میکنم می بینم که آن صریحترین ماده که مخالفت خواهند نمود با قانون اساسی همین ماده است برای اینکه انتقال اعم است از اینکه عین فروخته شود یا منفعت قانون اساسی هم میگوید مواردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی منتقل یا فروخته میشود این جمله صریح است در اینکه فروختن نسبت بهین است انتقال نسبت بعایدات و این بعقیده بنده بدلات اولیه این دلالت را دارد و گویا هیچ محل اشکال نباشد پس بدون تصویب مجلس نمیشود قسمتی از عایدات دولت را بدون اجازه و قرارداد بکسی داد اما شبهه در اینکه وقت مجلس خیلی گران بها تر است از اینکه مشغول اینکارها شود حرفی نیست ولی بنده عرض میکنم که مجلس اگر اینطور چیزی هارقت خود را صرف نماید ممکن است با شکلات بزرگتر دچار شود و در خصوص کلیه کثرتات موقوف بر این است که معنی آنرا بدانم که این دوتا یک چیزند یا اینکه فرق دارند بعقیده بنده که این مواد مخالف با قانون اساسی خواهد

داشت بخصوص تا این اصل (۲۲) که صراحت غریبی بنده در آن می بینم

آقا شیخ ابراهیم - بعقیده بنده این ماده قانون شامل اجاره نیست عایدات دولت این است که مثلاً فلان دولت از فلان جا مالیهات می گیرد باینکه دخل معینی دارد قاطر خانه دارد شتر خانه دارد ملکی دارد باقی دارد اینها را اگر بخواهند بفروشند ببخشند و اگذار کنند باید بمجلس شورای ملی بیاورد و از مجلس بگذرد اما اجاره دادن منوط بتصویب مجلس قرار دادن بنده هیچ صلاح نمی دانم فرذا چند قاطر می خواهند بفروشند گندم بیاورند باید بمجلس بیاورد ؟ گریه دادن قاطر خانه و شتر خانه است باید مجلس رأی بدهد دولت عمارتی در تبریز دارد این را می خواهد بکسی اجاره بدهد این را باید بمجلس تصویب کند بعقیده بنده عایدات این است که دولت از جائی چیزی می گیرد یا اجاره ملکی یا باغی را می گیرد با او ملکی حق دارد می گیرد این را عایدات می گویند دارائی ملک باغی باغچه غیر از اینها را می گویند اینها را اگر بخواهند بفروشند ببخشند و اگذار کنند باید بتصویب مجلس باشد والا غیر از آن را گمان نمی کنم که محتاج باشد بتصویب مجلس .

حاجی آقا - بنده اگر چه این مسئله مدتی است در آن گفتگو شده و گمان میکنم باز هم که آمده است نتوانیم از آن نتیجه بگیریم و از هم باید تقاضا کرد که این ماده قانون هم مثل سایر مواد دیگر باید بیک نوع تفسیر شود و رجوع شود بهمان کمیسیون تفسیر و مطالبات این اظهار خود ادله دارد اولاً این کلیه انتقال همین طرز که گفته شد نظرات در آن مختلف است اگر چه عقیده بنده چنانچه اول هم گفته شد مطلق التملیک است و از آن طرف هم یک محظور دیگر داریم که همانطور که گفته شد اگر در کلیه اجاره ها نظر مجلس را مجزا کنیم شاید بعدها اینطور نباشد ولی حالا خیلی احتمال مفاسد میرود از این جهت نمی توانم بگوئیم که کلیه با اختیار دولت و هیئت وزراء باشد و نه اینکه کلیه بتصویب مجلس باشد بواسطه اینکه وقتیکه بمجلس می آورند که فلان ملک دولت را بفلان مبلغ اجاره کنند هیچ کدام از ماها نمیتوانیم بچه میزان تصدیق کنیم از این جهت عرض می کنم که این را اگر بآن کمیسیونی که برای تفسیر معین شده است رجوع شود که در این باب بت دقت نظری بنمایند و در صورتیکه مخالفتی با قانون اساسی نداشت به پیشند تا چه اندازه را خود وزراء میتوانند ترتیب حراج و مزایده و مناقصه بدهند و تا چه اندازه تصویب مجلس را لازم دارد پس لازم است که بعضی نظرات در آن بشود که معلوم شود

وکیل التجار - اولاً کراراً استدعای کنم که نطقهای مفصلی اینجا [محل نطق] گفته شود و بعداً اگر چه بعد از فرمایشات آقای حاج سید نصرالله دوباره تکرار لازم نیست ولی چند کلمه را لازم می دانم عرض کنم تکرار کلمه (عایدات) [با دارائی] و بعد (فروخته می شود) برای چیست عایدات هم معلوم است مثال الاجاره است

بنده این طور می فهمم دیگران اگر بهتر می فهمند ممکن است که اظهار بدارند و گمان می کنم يك مدت زیادی نباشد که این قانون اساسی را نوشته اند و نویسندگان این قانون اغلبشان حاضر نبودند وقت نوشتن چون بحثها کرده اند ممکن است الان هم معلوم شود که مقصود از این اصل چه بوده است و بعد از این مسئله عرض میکنم که آقایان میفرمایند برای اجاره های جزئی نباید وقت مجلس را تضییع کرد گویا مجلس کارش همین باشد یعنی مجلس برای وضع قوانین و برای حفظ دارائی، مملکت و ملت است یعنی زیاد کردن عایدات و کم کردن مخارج پس نمیشود گفت اگر مجلس با پیشکارها رسیدگی کند تضییع وقت میشود و علاوه بر این است که شخص با هیئت همیشه باید در نظر این باشند که حقوق خودشان را حفظ کنند و يك عبارتی در يك مسئله حق می دهد بمجلس شورای ملی ما آن عبارت را باید حفظ کنیم برای اینکه بهتر بوظیفه خودمان رفتار کرده باشیم نه اینکه آن حق را از خودمان سلب کنیم علاوه بر این کار بنده الان عیوب آنرا مویبیم میفرمایند ترتیب مزایده و مناقصه هیچ منافاتی ندارد که مزایده و مناقصه بگذارند و بصورت مجلس هم برسد چرا برای اینکه ممکن است که شما خیلی از چیزها را بزمایده و مناقصه بگذارید ولی در موقع دادن شرایط و ترتیباتی ملاحظه شود که بواسطه آن ضرر و خسارات کلی وارد نشود از این جهت بنده گمان می کنم که این حق است بمجلس داده شده است باید نام اینها بصورت مجلس برسد و بدون تصویب مجلس نباید واقع شود

عز الملك - بمقیده بنده حالا مانده میخواهم يك قانون جدیدی وضع کنیم می خواهم به بینیم کلام انتقال شامل اجاره میشود یا نمیشود و گویا بنظر مقنن هم اینطور باشد که شامل میشود

آقا میرزا احمد - مدتی است که در این دو ماه در جلسات خیلی صحبت میشود بمقیده بنده عمده فرق بین عایدات و دارائی و انتقال و اجاره است و اگر این دو کلمه معلوم و از هم تفکیک شود دیگر هیچ اشکال باقی نمیماند معنی انتقال از دو حیث معین میشود يك معنای آن مبادرت که آن چیزی که بنده می فهمم و ظاهراً هم اگر در پیش چند نفر خالی از ذهن گفته شود که فلان چیز را فلان کس انتقال دارد که فارسیش واگذار کردن است همچومی فهمند که فلانی فلان مال را واگذار کرده است و می فهمند که مدتی با داده که دوباره پس بگیرد و اگر ذهن را خیلی حدت بدهیم ممکن است يك فرد مخفی هم از برای او پیدا کنیم که اجاره را هم شامل شود ولی فردا مخفی در مقام مثال هیچ مناسبت اعتبار نیست و اینکه در باره عایدی و دارائی آقایان اشکال میکنند گویا آقای افتخار الواعظین بودند که فرمودند قسمتی از عایدی و دارائی را بفروشد این طور فهمیده میشود که ملک را واگذار کردن و اجاره دادن و غیره یعنی انتقال دادن در عوض منفعتی این است که کسی ملک را واگذار میکند و میگوید که این ملک تو است و يك دفعه اینست که میگوید منفعت

آن مال تو این دو قسم است پس آنجا که قسمتی از عایدات را اجاره میدهند معنی آن این نیست که قسمتی از دارائی را انتقال بدهد یعنی تملیک کند اما اینکه می فرمایند ذکر لفظ فروختن بعد از کلمه انتقال معنی اجاره را اعاده میکند جوابش را آقای شیخ ابراهیم دادند ذکر لفظ خاص بعد از عام کذا کلمه فروخته می شود بعد از کلمه انتقال معنی اش این است چه بجهت کردن باشد و چه بواگذار کردن چنانچه ارکان دولت سابق اول انتقال میکردند پس واگذار می نمودند و به می کردند مقصود این است که انتقال مقابل بیع نیست که تملیک و اعاده باشد و عبارت از اجاره و غیره بشانیم بلکه ممکن است اقسام دیگر هم باشد و اینکه آقای حاجی سید نصرالله فرمودند که مجلس بعد از این کاری پیدا نخواهد کرد و کارش کمتر میشود بنده عرض میکنم پس از آنکه کارها بمجرای طبیعی افتاد البته کار بالنسبه کم خواهد شد و آنوقت ممکن است در مقام

کنترات و اجاره يك زحمتی برای مجلس نداشته باشد و الا الان باین ترتیب اگر ما بخواهیم بگوئیم که این جزئیات تماماً باید بمجلس بیاید یقیناً جز تضییع وقت حاصلی نخواهد داشت و همینقدر عرض میکنم که در ترتیب اجاره باغات که در مجلس مذاکره شد امسال تجربه کردیم که چقدر اسباب اتلاف وقت شد و آقایان اشکال کردند که همه باغها را نباید بيك نفر یا يك کمیانی اجاره داد بعد از این بنا شد بمتفرقه اجاره بدهند اما از حیث روح قانون بنده بنظر می آید که در قانون دو نظر بوده است یکی اینکه دولت ضرر نکند یکی هم ملاحظه سیاسی است اما ملاحظه سیاسی ها رفتی است که طرف خارجه باشد در آنخصوص هم اینجا قید شده است که اگر طرف خارجه باشد باید بصورت مجلس باشد اما راجع بضرر دولت چه از حیث مبلغ و چه از حیث مدت گمان میکنم باین ترتیبی که در اینجا نوشته شده است برای دولت ضرری تصور نمی شود برای اینکه مدت که تصریح شده است مبلغش را هم ممکن است تصریح کرد که مبلغش هم خیلی زیاد نباشد و هم مدتش زیاد نباشد چنانچه تصریح شده است که تا پنجسال می توانند بزمایده و مناقصه بگذارند اما يك مطلبی که آقای وکیل التجار بیان کردند لازم است مذاکره شود فرمودند اشخاصی که قانون را نوشته اند حاضرند و آنها لابد ملتفتند که چه نوشته اند بنده عرض میکنم که اگر يك شخصی يك چیزی را بطور اجمال بنویسد و بعد از آنروز بگوید که مقصود این بوده است پذیرفته نمی شود خصوص قانون اساسی ما که يك کلی مملکتی است بر فرض آن آقایانی که قانون نوشتند بر خیزند و بگویند که مراد ما از این عبارت این بوده است برای ما مسند نخواهد شد و هیچ فایده نخواهد داشت پس وقتیکه بکمیاباری در قانون اساسی مجلس شده محتاج بتفسیر است و تفسیر آن بمجلس است مجلس باید توضیح کند که مقصود مقنن چه بوده است اظهار چند نفر کافی نیست یکی دیگر فرمودند که بنده از اینکه بزمایده و مناقصه بگذارند گمان ندارم که در مجلس تصویب بشود و در اینجا لازم است عرض کنم در صورتیکه در

فهم الملك - در قانون محاسبات همومی فقط يك ماده است باید در اجاره و استجاره و بیع و شراعت ترتیب عمومی و مزایده و مناقصه باشد بیش از این نیست ولی اگر يك ترتیبی دارد که این اجاره ها بمجلس بیاید یا غیر ترتیب مناقصه و مزایده چه خواهد بود و با اتباع خارجه و داخله چه ترتیب خواهد بود جدیت بیش باید باشد معذالك شرایط دیگری برای اجاره کنندگان و اجاره دهندگان شده است و هیچ در آنجا این چیزها قید نشده است فقط يك ماده است که دارائی دولتی بطریق مزایده و مناقصه و اعلان بر گشت بکمیسیون اگر مذاکرائی دارند بکنند کمیسیون قوانین مالی هم گمان میکنم هیچ نظری ندارد اما راجع بپیشنهاد آقای حاجی آقا که می فرماید رجوع شود بکمیسیون تفسیر که تفسیر شود بنده نمی دانم چه چیز این باید تفسیر شود چهار کلمه در اینجا هست که بنده اینها را مثل روز روشن واضح می بینم و هیچ اجمالی در آن نمی بینم که تفسیر

شود یکی عایدات است یکی دارائی فرض می کنیم در خیابان شمس العمارة دولت خانه ای دارد این را بیعج تومان اجاره می دهد این ماهی بیعج تومان جزء عایدی دولت است پس اگر دولت این بیعج تومان را ببخشد يك قسمت عایدی خودش را بخشیده است اگر خانه را فروخت يك قسمت از دارائی اش را فروخته است اما در انتقالش يك مرتبه دولت این خانه را واگذار می کند ملکیت آن را بکسی بگذرد این است نه منافع آنرا یعنی يك قسمتی از عایدی خودش را با او واگذار می کند یعنی دیگر دولت این ماهی بیعج تومان را از خودش خارج میکند و آنوقت ماهی پنج تومان را دیگری که دولت با او واگذار کرده است میبرد پس وقتیکه خانه را اجاره میدهد آن ماهی بیعج تومان را یعنی يك قسمتی از عایدیش را واگذار نکرده است بدیگری ولی اگر گفت به يك شخصی که آن پنج تومان اجاره خانه را تو بگیر اینجایک قسمت از عایدی خود را واگذار کرده و منتقل آن دیگر گمان نمیکنم که لازم بتفسیر باشد اصل آن ماده که از آن بفارسی ترجمه شده است (کمیسیون) است و آنرا ترکی فراتر از ترجمه میکنند یعنی بکلی فرقت کردن آقای حاج سید نصرالله فرمودند که اجاره راهم انتقال میشود گفت اینطور نیست دولت که يك ملک را اجاره می دهد نه این است که بکلی سلب مالکیت از خود بکند تا اینکه بگوئیم منتقل کرده است در يك مدت معینی منافع آنرا واگذار میکند و این را نمیشود انتقال گفت و اینکه فرمودند ما حالا فهمیدیم که ترتیب اجاره دادن اشکالات فراهم آورده است که لازم است از مجلس بگذرد این هم اگر ملاحظه می فرمایند جهتش این بود که يك قانون درستی نداشته مثل اینکه خالصجات را که اجاره داده اند اعلانات عمومی که در روزنامه جات دیدند که بدانند چطور اجاره داده اند يك وقت دیدند که آنرا اجاره داده اند آقای وکیل التجار میگویند که در تمام اشکالات و اجازات نظریات مجلس شورای ملی باید صلاح و صرفه دولت باشد و حال آنکه يك کسی امروز می باید تمام دارائی و املاک دولت را اجاره کند این مسلماً اگر بترتیب مزایده و مناقصه نباشد بيك ترتیبی اجاره می کنند که خودش برود جزء اجاره اجاره بدهد و فایده ببرد و این ترتیب فایده اش از برای دولت بهتر است در حال گمان می کنم بیش از این مذاکره در اینخصوص لازم نباشد و چنانچه باز محتاج بمذاکره است بهتر این است که بکمیسیون رجوع شود که در آنجا مذاکره کنند و بیش از این دیگر وقت مجلس تضییع نشود

حاجی آقا - این فرمایشاتی که آقای فهم الملك فرمودند تمام راجع بتوضیح این ماده است این يك موضوع مهمی شده است در مجلس اگر چه کسانی که ترجمه آنرا نمایند تردید دارند اگر چه همانطور که عرض کردم بمقیده بنده مطلق تملیک است ولی ممکن است لفظ انتقال را بطوری معنی کنند که فهمیده شود که شامل اجاره است بواسطه اینکه معنی انتقال غیر از معنی واگذار

کردن چیزی نیست و اجاره را هم میشود يك نوع تفویض تصور کرد و بنده که پیشنهاد کردم که این را ببرند در کمیسیون برای این است که اینرا تشریح کنند که مقصود از این لفظ کما هو حقه معلوم و مفهوم شود و حدی هم از برای مدت معین شود و هم انتقال را تفسیر کنند و هر دو جهت را منظور دارند و يك تفسیری بشود برای ماده انتقال که اسباب اشکال نباشد بواسطه اینکه ملاحظه میفرمایند در کمیسیون قوانین مالی يك ترتیبی داده شده ولی در کمیسیون قوانین مالی راجع بتفسیر این اصل از قانون اساسی هیچ ماده ندارد و بمجرد اینکه آن ماده بیاید باز همین اشکالات میشود باین جهت خوب است تفسیر این ماده در کمیسیون بشود و يك حدی هم برایش قرار داده شود که راپورت آن بیاید بمجلس و روشن شود و تصور می کنم با ادله که در کمیسیون میگویند و می نویسند زودتر خواهد گذشت و اسباب آسودگی هم بهتر خواهد بود والا باینطور الان بنده نمی دانم که امروز تمام اجاره ها را باید بدولت واگذار کرد یا اینکه این لایحه بکلی رد می شود و هر روز اسباب زحمت برای دولت فراهم خواهد شد و بواسطه اینکه هر دکان جزئی هم که دولت دارد باید بمجلس بیآورد که شور و تصویب شود و تمام وقتمان در این چیزهای جزئی صرف شود بنده عرض می کنم که در این طریقی که بنده پیشنهاد کرده ام رای بگیرند آقایان هم رای بدهند که برود بکمیسیون که ترتیب آنرا مرتب کنند و يك طوری کنند که اسباب ضرر دولت و اشکال آقایان نشود

حاج سید نصر الله - قانون اساسی متناهم علیه اختلافات است اگر اختیار قانون اساسی را بین بدهند شاید از سطر اول تا آخرش را شرح بدهم و بعد خود تمام عبارات را تغییر بدهم و عباراتی موافق سلیقه خود بنویسم بطوریکه ایداً موافقت با مقصود مقنن نداشته باشد یا بجهت اینکه اختلافات مرفوع شود باید قانون اساسی را حفظ کنیم و اگر این ماده را ما محتاج بتفسیر بدانیم بمقیده بنده در قانون اساسی هیچ ماده صاف باقی نمی ماند برای اینکه این ماده منتهای صراحت را دارد حالا من نمیگویم نواقیل منحصر باجاره است ممکن است بطور های دیگر هم باشد ولی بمقیده بنده این ماده انتقال در مقابل عایدات دولت است و باید اجاره را با جزه نواقیل بدانیم و ایشان ملاحظه کرده اند که واگذار کردن غیر از نقل است خبر این هر دو از نسخ نواقیل است اگر اجاره و عایدی از منافع نشد آنوقت شما میتواند این را مشتت المراد بدانید والا از برای کمیسیون تفسیر می کار پیدا کنید و هر روز يك ماده را رجوع کنیم اینکار صحیحی نیست و این بمقیده بنده نه مربوط است بکمیسیون مالی و نه بکمیسیون تفسیر حالا دیگر بسطه برای مجلس است **افتخار الواعظین** - عرض میکنم در قانون محاسبات عمومی تمام معاملات دولت مبرح و لفظ معاملات دولت هم مهمل نیست که برود بکمیسیون و تفسیر شود این يك لفظی است تمام و تمام اقسام

معامله را از خرید و فروش و به و مصالحه و اجاره و انتقال همه را شامل می شود و در قانون محاسبات عمومی می نویسد تمام معاملات که دولت میکنند باید بطریق مزایده و مناقصه باشد یعنی آنچه را که میخواهد بفرد مناقصه و عرض میکنم یکی از وظایف مجلس شورای ملی نظارت در دارائی و منافع و عایدات دولت است و اگر مجلس شورای ملی نظارت در مقام اجاره نداشته باشد یا نظارت در منافع نماید دیگر نظارت در چه خواهد کرد و نمی دانم کدام لفظ قانون اساسی مبهم است که باید تفسیر شود این است میگوید مواردیکه قسمتی از عایدات و دارائی فروخته یا منتقل میشود انتقال هم اعم است از انتقال عین یا انتقال منفعت انتقال عین را بلفظ دارائی و کسر کرده است و انتقال منفعت را بلفظ عایدات مثلا يك باغی را دولت می خواهد اجاره بدهد آنرا انتقال عایدات میگویند ولی اگر خود باغ را بخواهند بدهد آن را انتقال عین میگویند پس باید اجازات هم بیاید بمجلس و بهیچوجه من الوجوه این اصل قانون اساسی هیچ محتاج شرح و بسطی نیست و ابداً تفسیر بردار نیست **حاج شیخ الرئیس** - مذاکره میشود که عبارت مجلس است یا متشابه بنده تصدیق میکنم تقریر بکنند یا بنده محترمی را که اگر بنا شود ایشان بیاره تاویلات و تبدیلات و تغییرات متوجه شود هیچ کلمه را نمیتوان گفت محکمه است هر کلمه را می توان فرض کرد که متشابه است پس باید اولاً ملتفت شد که متن این ماده را برای چه وضع کرده است و این پرواضح است که برای چه بوده است برای این بوده است که در دوره استبداد قبل از طوع نیر مشروطیت معلوم بشود که دارائی و عایدات همه در تحت حکمرانی و خیالات و هوا و هوس محدود جماعات معهوده بوده و صاحبش هم دخالت نداشت باین جهت این ماده را در اینجا قید کردند و حالا چرا این نکته را کدر اصل (۲۲) می نویسند متوجه نمیشویم که میگوید «عایدات و دارائی دولت و مملکت» این نکته دولت و مملکت را هم عطف نظری بنمایند معلوم است دارائی مثل مالیات جواهر آلات (عمارات) - (باغات) و سایر ائینه دولت را میتوان گفت جواهر خزانه مال دولت است عمارت دولت است و و بگذرد عایدات مملکتی است مثل فلانجا معدن نقر فلانجا معدن مس است اینها عایدات مملکتی است حالا اگر این قانون این عایدات را میخواهد محدود کند و حالا دولت نمیتواند اینها را بکسی یا بطور انتقال یا بتیول ابدی بگوید مسادامت السموات و الارضون در دست تو باشد بعضی هم خیلی این مطلب را تصحیح کرده اند و تمجید بعضی هم تخطئه میکنند و ناصواب حالا در آن کار ندارم اگر يك پادشاهی خیالش بگیرد که تمام عمارات را بفروشد یا فلان معدن را مفت واگذار کند تا در ازای يك مبلغ جزئی بکسی بدهد من نمی دانم انتقال را شامل اجاره کردن از کجا است و خیلی تصدیق و تصویب میکنم

حاج شیخ اسد الله - کم کم با این اشکالات مجلس امروز میگذرد و نتیجه گرفته نمیشود عرض

میکنم این عبارت خیلی واضح است و بنظر بنده متبادر از لفظ اشکال غیر از منافع چیز دیگری نیست اصل معنای اجاره را وقتی میگویند انتقال منفعت بعوض معلوم بنده نمی فهمم که اشکال در این عبارت دیگر از چه راه است بعد از آنی که معنی اجاره را کرده اند که انتقال منفعت در عوض معلوم دیگر چطور میتواند انتقال شامل اجاره نیست عرض کردم انتقال دو فرد دارد يك فروش خیلی مخفی است و يك فروش ظاهر متبادر است و آن متبادر همان بیع است و هبه است و غیره که واگذار کردن همین است و آن فرد مخفی اجاره است و اجاره را هم میتوان از آن در آورد ولی بنظر دقیق و در صورتیکه قرینه داشته باشد هیچ بنده نکتم انتقال اجاره را شامل نیست این از آن جهت است اما اینکه آقایان میفرمایند اگر بنا بشود این ماده تفسیر شود باید قانون اساسی تمام بر هم بخورد بنده عرض میکنم که يك مطلبی است در مجلس که محل اختلاف است یکدسته میفرمایند صریح است در اینکه اجاره است یکدسته میفرمایند صریح نیست و شامل اجاره نمیشود در يك همچو موقعی نمی شود گفت نباید مذاکره شود یا بر گردد بکمیسیون دومرتبه مذاکره شود اما اینکه آقای افتخار الواعظین فرمودند پس دلیل این است که باید بیاید بمجلس بنده عرض میکنم که این اشتباه است فرق است بین نظارت و تصویب ممکن است که اینکار را که دولت میکند خطا رفته باشد یا تقریب کرده باشد مجلس در آن تفتیش میکند باید بیاید در مجلس صحبت در نظارت هم نداشتیم مجلس حق نظارت دارد با وجود اینکه مجلس تصویب میکند دیگر حاجت باین نیست که رجوع شود بوزیر و اینکه میگویند مالیات جزء دارائی است بکلی اشتباه است مالیات را نمیتوان جزء دارائی محسوب کرد

مؤتمن الملک - بنده گمان میکنم اینمطلب

اینقدر اشکال داشته باشد آقای حاج سید نصرالله فرمودند کلیتاً دارائی و عایدات و بلفظ انتقال و فروخته شود بیک ترتیب لفونشر مرتبی نوشته شده است تفسیر انتقال بر میخورد بدارائی اگر اینطور باشد دولت میتواند املاک را بفروشد بدون اجازه مجلس و میشود دولت بدون اجازه مجلس استخراج معدنی را بیک کمیانی بدهد که تا ده سال صدی ده بدولت بدهد و یا ده سال یا بیست سال و دولت حق دارد که هر نوع عایدات خودش را از روی آن هر ساله اجاره بدهد و بآن ترتیبی که عایدات را مربوط کردند به انتقال و دارائی را مربوط کردند بفروخته شدن آنوقت عایدات را بدون رجوع بمجلس میتواند فروخت یا اینکه باید گفت که دولت میتواند دارائی خودش را بدیگران منتقل کند یا بفروشد بدون اینکه مجلس بداند و اگر بخواهد بفروشد نباید اجازه از مجلس بگیرد و اگر بخواهد ببخشد بکسی نمیتواند بدون اجازه ببخشد در صورتیکه انتقال را بهمان معنایی که فرمودند باز درست در نمی آید بجهت اینکه وقتی بنا شد انتقال مال اجاره و عین مال فروش باشد آنوقت باید دولت وقتیکه میفروشد یا انتقال میدهد مربوط بشود بلفظ انتقال پس باید گفت فوراً بلفظ انتقال دارائی خودش را بفروشد چه آنرا ببخشد بدیگری باید بمجلس رجوع کند پس با این قبیل تفسیرات بنظر نمی آید که ما حل این مشکلات را بتوانیم بکنیم که بچه

نحو نشسته و این را نوشتند و همانطور که مخبر محترم فرمودند اول خواستند بگویند عایدات دولت را عایدات گفته شده حق منتظره که دولت دارد که هر سال با هر ماه برای او تولید میشود همانطوریکه از معادن دولت هر ساله يك چیزی میگیرد این را عایدات میگویند ولی اینهم اشتباه است آن چیزیکه جزء دارائی است نمیتوان گفت جزء عایدات است برای دولت حقی که در آتیه برای دولت ثابت میتوان عایدات است مقصود این است که اگر اجازه بخواهد که عایدات یا دارائی خودش را بفروشد از مجلس اجازه بخواهد ولی دیگر در فروختن کافی نیست ممکن است که دولت در عوض چیزی بگیرد که او را بفرانسه (الیاستون) میگویند هم انتقال را میسراند هم فروختن را میسراند هم را با این ترتیب خواستند همه معانی را برسانند بنده گمان نمیکنم که آن روز این لفظ انتقال را بلفظ فقهی ادا کرده باشند بهمین معنایی است که بوده ممکن است که دولت ملکی را بفروشد یا ببخشد پس باید يك لفظی را استعمال کرد که هم آنرا بفهماند هم معنای دیگری را و گمان نمیکنم که معنای دیگر داشته باشد (ثانیاً پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت شد)

نایب رئیس - کسانی که این پیشنهاد آقای

ارباب را تصویب میکنند قیام نمایند (نتیجه مشکوک شد)

نایب رئیس - چون مشکوک شد دوباره رأی

میگیریم کسانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند با اکثریت رد شد)

نایب رئیس - کسانی که پیشنهاد آقای حاج

آقا را در ارجاع این طرح بکمیسیون تفسیر تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - در کلیات این طرح چنانچه آقایان

نمایند گمان مذاکره را کافی میدانند ممکن است رأی گرفته شود (اغلب اظهار نمودند مذاکرات کافی است رأی بگیرد)

نایب رئیس - رأی میگیریم کسانی که مذاکره

در کلیات این طرح را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

(شروع بشور اول در مواد طرح مزبور گردید

ماده اول قرائت شده بعد از مذاکرات لازمه هر يك از آقایان آقامیرزا ابراهیمخان - حاج عز الملک محمد - هاشم میرزا - معز الملک - پیشنهادی نموده قرائت و بتقاضای آقای فهیم الملک مخبر کمیسیون قوانین مالیه بکمیسیون رجوع شد

ماده دوم نیز قرائت شده مقداری شور شده بقیه آن موکول بمجلس دیگر گردید

نایب رئیس - دستور جلسه آتیه بقیه شور در

ماده دوم این طرح رایورت کمیسیون مبتکرات طرح آقای ارباب کیخسرو راجع بطبع فهرست عرایض رایورت کمیسیون بودجه راجع به برقراری یکصد تومان در حق بهادر السلطنه بانه رایورت کمیسیون فوائده عامه راجع بامتیاز طلاشوئی کوه زر - رایورت کمیسیون عدلیه راجع بتفسیر اصل (۲۵) قانون اساسی راجع باملاک بیع هر طر شده

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۱۷۰

صورت مذاکرات روز شنبه دویم ذی قعدة ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد صورت مجلس روز پنجشنبه صلح را آقای مواضد الملک قرائت کرد (غائبین جلسه قبل)

آقایان: قوام الاسلام - آقای نویری - آقای حاج میرزا آقا - آقای آقا سید محمد رضا - آقای آقا سید علی آقا - (بدون اجازه) آقای مستشار الدوله - آقای سید حسین کزازی (با اجازه غایب)

آقا شیخ حسین یزدی - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا - ممتاز الدوله - دکتر علیخان - آقا شیخ رضا - حاج وکیل الرعایا - حاج آقا - مشیر الدوله سردار احمد (بوقت مقرر حاضر نشده) حاج مصدق الامالك - مریض بودند

نایب رئیس - آقای ناصر الاسلام در صورت مجلس ملاحظه داشتند

ناصر الاسلام - عرض بنده راجع بصورت

مجلس است که مکرر بنده و سایر نمایندگان اظهار کردیم در موقعی که اسامی غائبین بدون اجازه خوانده می شود آنها بیکه غائب با اجازه هستند که مطلبی است و آنها بی که غائبین بدون اجازه اند یعنی تا يك مدتی اجازه خواسته و رفته اند بعد از اینکه مدت اجازه شان تمام شده است ضمناً یکماه یا دو ماه هم از مدت اجازه شان گذشته است باز می شود طوری قبول کرد که غائبین بدون اجازه هستند اما آنها بیکه از اصل قبول کردن نمایند کی وردشان معلوم نیست من جمله آقای آقا سید علی آقا که مدتی است نمایندگی ایشان تصویب شده و اسمشان جزء غائبین بدون اجازه خوانده میشود آیا مجلس بهمین طور اکتفا خواهد کرد یا اینکه تکلیف آنها باید معین شود بمقیده بنده این يك ترتیب صحیح نیست و در این باید يك فکری کرد

نایب رئیس - البته مسبق هستند که

سابقاً در این باب در مجلس مذاکره شده و این آخری را که فرمودید گفتند که این یکی از مواد است که باید رجوع بکمیسیون تفسیر شود رجوع هم شده هنوز رایورت نداده است

(رایورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بطرح قانونی در خصوص ککترات و اجارات قرائت شده شروع بشور اول در بقیه آن شده مذاکرات لازمه در ماده دو بمعمل آمد پس از آن ماده سیم قرائت شده و مضرح شور گردیده مباحثات کافی در آن شد رایورت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح ارباب کیخسرو در خصوص فهرست عرایض قرائت شد مبنی بر اینکه کمیسیون طرح مذکور راجع مذاکره گذاشته و قابل توجه دانسته بمجلس عودت می دهد (صورت طرح ارباب کیخسرو)

چون طبع و توزیع صورت عرایض وارده بمجلس مقدس بنحویکه تا بحال مشاهده و امتحان شده